|  |
| --- |
| مقطع تحصیلی:کاردانی🞏کارشناسی🞎 رشته:....................ترم:...........سال تحصیلی: 1398- 1399  نام درس:ادبیات نام ونام خانوادگی مدرس:استاد اسماعیلی  آدرس emailمدرس:......................................................تلفن همراه مدرس:................................ |
| جزوه درس:............................................................... مربوط به هفته : 16 🞎 🞎  text: دارد 🞎ندارد🞎 voice:دارد🞎 ندارد🞎 power point:دارد🞎 ندارد🞎  تلفن همراه مدیر گروه : ............................................ |
| 3-پیام داستان .  پیام یک داستان همان روح حاکم بر داستان و درو نمایه آن است نتیجه ای کلی درباره زندگی است که داستان صریحاٌ آن را بیان کرده است ، یا ما از آن استنباط می کنیم . البته همه  داستان ها پیام ندارند، هدف داستان های ترسناک ممکن است صرفاٌ مضطرب کردن خواننده مطرح ساخته ، بعد آن حل کنند.  تنها برخی از داستان های تفریحی دارای پیام هستند همه داستان های تحلیلی پیام دارند و در واقع در داستان های تحلیلی، هدف داستان همان پیام آن است.  4- زاویه دید .  امروز هر نویسنده ای می داند که به جای اینکه خودش مستقیماٌ داستان را بگوید ،می تواند:  الف)یکی از شخصیت های داستانش را به عنوان گوینده داستان انتخاب کند،  ب)داستان را با یاد داشت های روزانه یک نفر بنویسد،  ج)به وسیله نامه همه داستان را بنویسید.  د)خودش را موظف کند که فقط افکار درونی یکی از شخصیت های داستان شرابه روی کاغذ بیاورد  بار شد آگاهی های هنری. مسأله زاویه دید، یعنی اینکه چه کسی داستان را بگوید و  بدنبال آن، داستان چگونه باید گفته شود، اهمیت بسزایی یافته است.  5-سمبل و کنایه.  سمبل ادبی، بیش از معنی ظاهری خود، معنی می دهد و این سمبل می تواند یک موجود،  شخص، حالت، عمل و یا چیزهای دیگر باشد این سمبل ها هر کدام علاوه بر معنی ظاهری و تحت الفظی خود در داستان، معنی  دیگری نیز دارند، مانند نام های سمبلیک و موجودات سمبلیک .کنایه، اصطلاحی است که معانی مختلفی دارد، ولی کلاً به جمله یا عبارتی که دو معنی دور و نزدیک را یکجا در خود داشته باشد، جمله یا عبارت کنایی می گوییم. داستان نویس می تواند با استفاده از انواع کنایه ها به اهداف زیر دست یابد.  الف)تجربیات پیچیده خود را بیان کند.  ب)مصالح داستانش را به طور غیر مستقیم بسنجد و ارزیابی کند.  ج)اختصار را رعایت کند. کنایه نیز مانند سمبل، به نویسنده امکان می دهد تا بدون اینکه مفاهیم را صریحاً بگوید، آن ها را به خواننده القا کند.  6-احساس ادبیات داستانی،عواطف خفته ما را بیدار کرده ،به قلیان وا می دارد و از این راه درک ما را از مسایل سرشارتر و عمیقتر می کند. برخی از داستان ها ما را میخندانند یا می گریانند و بعضی هم ما را دچار ترس و وحشت می کنند، با همه این ها داستانی واقعاً پر معنی است که احساس را به طور مستقیم در خواننده بر انگیزد نه به طور مستقیم  7- خیالپردازی در داستان. فرض خیالی نویسنده در داستان ،وسعت تخیلات ما را بیشتر می کند . داستان نویس همانند روانشناس می تواند شخصیت های خیالی را در فضای خیالی قرار دهد و با کمک تصوراتش در باره انها مطالعات و بررسی هایی انجام دهد و از طبیعت آنها نکاتی را کشف و عرضه کند. داستان غیر واقعی یا خیالی،محدوده هایی را که ما به عنوان مرزهای واقعیت می شناسیم می شکند. این گونه داستان ها پای قدرت های عجیب و نیروهای مرموز را به درون جهان واقعی و عادی ما باز می کنند خیالپردازی نیز مانند دیگر عناصر داستان، ممکن است با نوعی سمبولیسم یا تمثیل، حقایق زندگی را مطرح کنند یا با ایجاد وقایع غیر منتظره و بعید به بررسی و مطالعه رفتار انسان ها بپردازند . برخی از بزرگترین آثار ادبی جهان یا تماماً خیالی است ویابخش هایی از آن چنین است، آثاری از قبیل ادیسه از هومر یونانی، سفرهای گالیور از جوناتان سویفت انگلیسی و فاوست اثر گونه شاعر و نویسندهَ آلمانی ، از این نوع است. |